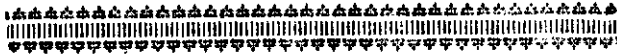


# خدا در تعالیم زردشت



آیا «زردشت» یگانه پرست بوده و آئین او مبنی بر توحید است؟ یا ثنوی  
 مذهب و آئین او یک آئین دوگانه پرستی است؟ و یا اینکه  
 خدایان متعددی را می پرستیده است؟!

## اختلاف دانشمندان درباره افکار و عقاید زردشت :

این است که «زردشت» ثنوی مذهب بوده و آئین او  
 یک سیستم دوگانه پرستی است .  
 برای روشن شدن این موضوع ، نخست لازم  
 است ملاحظه شود که ثنویت در آئین زردشت -  
 چگونه تصور می شود. آنها اشیاء را بدو قسمت تقسیم  
 کرده اند : نوع خوب ، و نوع بد ، برای تمام  
 « خوبها » یک مبدء و یک ریشه قائل شده که بنام :  
 « اهورا مزدا » یا « سپندمینو » نامیده شده  
 است . و برای « بدها » مبدء دیگری دانسته بنام  
 « اهریمن » یا « انگره مینو » منش ناپاک و  
 پلید ، و هر چه زشتی و پلیدی و تیرگی و سیاه روزی  
 در جهان دیده می شود به نظر آنان ، زاده و آفریده

در اینکه «زردشت» به خدا چه عقیده ای داشته  
 و خدا در تعالیم او چگونه معرفی شده ، میان  
 محققان و صاحب نظران اختلاف وجود دارد و از  
 مطالعه و بررسی کتب آنان سه نوع عقیده بدست  
 می آید :

۱ - تعدد خدایان یا پولیتئیسم -

Polytheisme

۲ - دو خدائی ( ثنویت ) یا دوئالیسم

Dualisme

۳ - یگانه پرستی یا مونوتئیسم

Honotmeiame

معروف میان مورخان و محققان و ایران شناسان

اوست .

نیز مثل مجوس که قایل اند بیزدان و اهریمن ،  
اثبات دومبده می نمایند . (۴)

مؤلف «تبصرة العوام» درباب «مقالات مجوس»  
نگاشته : «بدانکه مذهب مجوس آنست که عالم  
را دو صانع است : یزدان و اهریمن - یزدان را  
خدا گویند و اهریمن را شیطان و گویند باری -  
تعالی چون عالم را بیافرید اندیشه بد کرد و گفت  
مبادا مرضی باشد که عدوی من بود و شیطان از  
فکر وی پدید آمد . بعضی گویند : چون یزدان  
تنها بود اورا وحشتی پیداشد و فکر بد کرد و اهریمن  
پدید آمد ، اهریمن بیرون عالم بود از سوراخی  
نظر کرد و یزدان را دید و برجاه و منزلت او حسد  
برد شر و فساد در وی پیداشد . یزدان ، ملائک  
بیافرید تا لشکروی باشند و بدین لشکر با اهریمن  
جنگ کرد و جنگ میان ایشان دیر به ماند . چون  
یزدان دفع اهریمن نتوانست ، با یکدیگر صلح  
کردند !! ...» (۵)

لاهیجی در «شرح» می نویسد : «یعنی  
چنانکه آن «گبر» که مجوس نام دارد مبداء  
افعال را دو چیز می داند یکی فاعل خیر و آنرا  
«ایزده» و یکی فاعل شر و آنرا «اهریمن» گویند (۶)

بدین ترتیب «اهورا مزدا» و «اهریمن» هر  
دو آفریده و خالق هستند و میان این دو مبداء در  
خلقت و اداره مخلوقات و هدف از خلقت ، تضاد  
و تباین وجود دارد .

گروهی از مورخان و دانشمندان اسلامی معتقدند  
براینکه « زردشت » ثنوی مذهب بوده است :  
«ابوالمعالی محمد بن الحسن العلوی» که مؤلف  
کهنترین متن فارسی در تاریخ عمومی ادیان است  
در کتاب «بیان الادیان» می نویسد : مذهب  
ثنوی : ایشان همان گویند که زردشت گفته است  
که صانع دواست : یکی نور که صانع خیر است و  
یکی ظلمت که صانع شر است و هر چه در عالم هست  
از راحت و روشنایی و طاعت ، به صانع خیر باز گردد ،  
و هر چه از شرافتنه و بیماری و ناراحتی است  
بصانع شر ، لیکن هر دو صانع را قدیم گویند ، (۱)  
و در «فهرست ابن ندیم» نیز این موضوع تأیید  
شده است . (۲)

مؤلف تفسیر نیشابوری در مورد مجوس  
می نویسد : «خدا در نزد آنان دواست» (۳)  
مؤلف «درالنظیم» می گوید : «ایشان (قدریانی)

(۱) بیان الادیان ص ۱۷ - ۱۸

(۲) فهرست ابن ندیم ص ۴۵۸

(۳) در تفسیر آیه ۱۷ از سوره حج

(۴) چاپ تهران ص ۱۸۲

(۵) تبصرة العوام : باب مقالات مجوس

(۶) شرح لاهیجی صفحه ۲۵۹ بنقل : مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی صفحه ۱۶۵ .

نورآتش و آب ، خرمن ، میوه و حیوانات اهلی  
او آفریده ... منشأ عبدی و عفریت شراهریمن می-  
باشد تمام عیوب و بلاها از اوست» (۸)

دکتر هوک «Dr haug» ایرانشناس معروف در  
کتاب «شرح گاتها» چنین می نویسد : زردشت  
برای اینکه در پیروان خود نفوذ پیدا نماید خود را  
فرستاده آسمانی نامید و آئین خود را از خداوند  
بزرگ خود با مکالمه با وی الهام گرفت تعلیمات  
زردشت گرچه از توجه و تفکر درونی و باطنی وی  
حکایت دارد اما در واقع از یک فلسفه محضه عمیق  
سرچشمه گرفته است .

در این فلسفه هر آنچه‌ی یلکه نظر و دقت انسان را  
جلب می کند ناچار تحت نفوذ یکی از دو قوه و  
نیروی اصل و اصل قرار میگیرد و این دو نیرو در  
جنبش و فعالیت با یکدیگر متقابل و متضاد می باشند.  
یکی هستی Etre و دیگری نه هستی Monetre  
است . یکی آغاز و دیگری انجام می باشد . هستی  
عبارت از حیات ، حقیقت ؛ نیکی و راستی یا اشا  
Ashu است . نه هستی عبارت از مرگ ، پلیدی و  
دروغ یا دروج Druj می باشد . این دو نیرو وقتی  
بمعل و فعالیت پرداختند دو جهان مادی و معنوی  
بوجود آوردند . . . . (۹)

پروفیسور «هنینگ» R. henning « در باره

عده زیادی از دانشمندان و ایرانشناسان اروپائی  
هم به ثنوی بودن آئین زردشت تصریح کرده اند  
که بعنوان نمونه نظریه چند نفر از آنان را در اینجا  
می آوریم :

« جوزف گمزر » در کتاب خود می نویسد :  
« پس از آنکه « زردشت » به دربار گشتاسب در بلخ  
رفت و میان او و دانایان دربار گشتاسب بحث و  
گفتگو شد از او پرسیدند : این آفریدگار بزرگ  
کیست ؟ جواب داد : اهورامزدا پروردگار دانا  
و فرمانروای بزرگ جهان .  
- تو بر آنی که او همه چیزهای جهان را  
آفریده است ؟

- اهور چیز را که نیکو است آفریده است ،  
زیرا اهورامزدا جز نیکوئی به کاری توانا نیست .  
- پس زشتی ها و پلیدیها ساخته کیست ؟  
- زشتی ها و پلیدیها را «انگرا منئیو» یعنی  
« اهریمن » بدین جهان آورده است .

- پس بدینگونه در جهان دو خدا وجود دارد ؟  
- آری در جهان دو آفریدگار هست . . . (۷)  
در «تاریخ ملل شرق و یونان» می نویسد :  
« اساس ایرانیان قدیم بر این بوده که در عالم خوبی  
و بدی مدام در جنگ اند » اهورامزده « یا «هرمز»  
منشأ خیر است و هر چیز خوب در دنیا و مفیدر امانند

(۷) دینهای بزرگ: بنقل کتاب و خدمات متقابل اسلام و ایران: مرتضی مطهری ص ۲۸۲ - ۲۸۳

(۸) تاریخ ملل شرق و یونان: آلبر مساله و ژوال ایزاک: ترجمه: میرزا عبدالحسین هژیر

ص ۱۳۰ - ۱۳۱

(۹) شرح گاتها صفحه ۲۴۳ بنا بنقل: تاریخ اجتماعی ایران باستان ص ۴۱۵ - ۴۱۶ .

را کشف فرمود . اذاینرو هر جا که خوبی بود بدی در مقابل معین ساخت و هر کجا روشنائی بود تاریکی را در برابرش پدیدار نمود . . . (۱۱) «گیرشمن» ایرانشناس معروف در کتاب : «ایران از آغاز تا اسلام» می نویسد : «آئین زردشتی مبنی بر توحید نبود ولی در عهد ساسانی بر اثر نفوذ ادیان بزرگ وحدت را پذیرفت» (۱۲)

برعکس برخی از دانشمندان اسلامی مانند : شهرستانی (۱۳) و القلقشندی در کتاب «صبح الاعشی» (۱۴) و فردوسی در شاهنامه (۱۵) : زردشت را موحدانسته اند .

«گریستن سن» ادعا میکند که دین زردشت یکتاپرستی ناقص است (۱۶)

بعضی از نویسندگان به یگانه پرست بودن زردشت قایل هستند ولی تصریح دارند بر اینکه آئین زردشت نیز دستخوش تغییرات و دگرگونی های فراوان شد با گذشت زمان «انگره مینو» را کم کم مقابل اهورا مزدا قرار دادند (۱۷)

«دومزبیل» ایرانشناس معروف تحت عنوان

دین زردشت و وحدانیت و ثنویت موجود در آن چنین توجیه کرده است . می گوید : مانند همه نهضت های نئوی جهان شاید بهترین توجیه امر این باشد که ثنویت در واقع یکنوع اعتراض بر علیه وحدانیت است . ثنویت همواره بصورت پاسخی بمسئله بدی و شرارت ظاهر می شود و این خود با فرض آنست که انسان اعتقاد بوجود یک خدای قادر مطلق و خوب داشته باشد» (۱۰)

«جان ناس» در اینکه «اهورا مزدا» خالق «اهریمن» است یا اینکه اهریمن هم مانند خود اهورا مزدا خود آفریده است ، تردیدی کند و لذا می نویسد : « . . . نصوص کتب زردشتی درباره حد مسئولیت اهورا مزدا در مسئله ایجاد روح شریب بسیار مهم و غیر مشخص است و معلوم نیست که «انگراهین یو» یعنی «روان پلید» هم از روز ازل با اهورا مزدا متفقاً بوجود آمد یا آنکه اهورا مزدا بعداً او را آفریده است بعبارت دیگر آیا اهورا مزدا روان ناپاک اهریمن را خلق کرد یا آنکه «انگراهین یو» موجودی بود پلید و مزدا او

(۱۰) کتاب دوشزن کیمن ص ۱ بنقل سهم ایران در تمدن جهان ص ۲۲۳ .

(۱۱) تاریخ جامع ادیان ص ۳۰۸

(۱۲) ایران از آغاز تا اسلام ص ۲۶۴

(۱۳) ملل و نحل ص ۱۱۱

(۱۴) بنا بنقل : احمد امین مصری در کتاب : فجر الاسلام ص ۱۰۳

(۱۵) شاهنامه جلد ۴ ص ۳۸۶

(۱۶) ایران در زمان ساسانیان صفحه ۵۰

(۱۷) ادیان بزرگ : ص ۹۰

دین دوهزارسال قبل ایران را در فکر خود می-  
 پرورانیدند درصدد برآمدند زردشت را در ردیف  
 موسی و عیسی و محمد قرار دهند و بر اثر این قبیل  
 افکار کتابهای چندی بفارسی در کشور ما انتشار  
 پیدا کرد و از آن کتابها آنچه بزمان ما نزدیکتر  
 است کتاب «فروغ مزدیسن بقلم کیخسرو و شاهرخ  
 کرمانی و کتاب ادبیات مزدیسنا و گاتها بقلم پور-  
 داود می باشد نویسنده هر دو کتاب مزبور زردشت  
 را در جرگه پیامبران دانسته و آهورامزدا را با  
 خدای واحد متعال تطبیق کرده اند ، (۲۰)

طبق این قول زردشت خدایان متعددی را  
 می پرستیده است ، این وحدت و یگانگی که اخیراً  
 بر زبان زردشتیان و بعضی از نویسندگان افتاده  
 است در نتیجه برخورد آئین مزدیسنا با دین اسلام  
 است یعنی این نویسندگان بقدری تحت تأثیر توحید  
 عالی اسلامی قرار گرفته اند که حتی نتوانسته اند  
 لحظه ای خود را از این زمان و مکانی که در آن قرار  
 گرفته اند ، دور کنند و تاریخ ایران باستان را در  
 زمان خود مطالعه نمایند و وضع مذهبی ایران  
 آن روز را در نظر بگیرند و لذا اصرار دارند آئین  
 زردشت را آئین توحید معرفی کنند در حالی که چنین  
 نیست .

البته علت این اختلاف عقاید راجع به اصول  
 دین زردشت ناشی از جزوات پراکنده اوستاست که  
 در مقاله آینده از آن بحث خواهد شد .

(دنباله دارد)

«رفورم زردشت» می نویسد: برآستی که افکار و  
 تعالیم زردشت بسیار پیشرو و شجاعانه بوده است ولی  
 پس از درگذشت وی آنچه امروز به نام آئین  
 زردشتی نامیده می شود به سرنوشت ادیان و  
 مذاهب دیگر گرفتار آمده ؛ ساده تر بگویم تعالیم  
 استاد تحت تأثیر سنن جاری و احتیاجات زندگی  
 و تمایلات زردشتیان تغییر صورت داد نوعی از  
 شرك جای (توحید) را گرفت و ملائکه مقربین با  
 خدای بزرگ کوس همطرازی زدند (۱۸)

و طبق تحقیقات و بررسی هاییکه «ابراهیم پور  
 داود» و «دکتر معین» و کسانیکه تحت تأثیر افکار  
 خاص آنان قرار گرفته اند زردشت را موحد و  
 آئین او را مبنی بر توحید و یگانه پرستی  
 دانسته اند (۱۹)

اما بعضی از نویسندگان معاصر طبق تحقیقات-  
 تیکه بممل آورده اند ، چنین نتیجه گرفته اند که  
 زردشت نه یکتا پرست و نه ثنوی مذهب  
 بود بلکه مانند همه اقوام و ملل زمان  
 خود خدایان متعددی را می پرستید و  
 این خدایان را نیز از آسمان و از ستاردها  
 انتخاب کرده ولی پس از انقراض ساسانیان  
 وقتی دین اسلام در ایران رواج یافت و برای همه  
 واضح و روشن گردید که خداوند خالق عالم فقط  
 یکی است و عقیده بر تعدد خدایان باطل و بی ارج و  
 ارزش می باشد ، روحانیان زردشتی و کسانیکه

(۱۸) تاریخ تمدن ایرانی به قلم جمعی از خاورشناسان: ترجمه دکتر عیسی بهنام ص ۸۹  
 (۱۹) ادبیات مزدیسنا و گاتها تألیف پورداود - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی: دکتر معین.

(۲۰) تاریخ اجتماعی ایران باستان ص ۳۸۲